

به نام خدای مهربان



بهترین قصه‌های شاهنامه

ضحاک و کاوه‌ی آهنگر | و چند قصه‌ی دیگر از شاهنامه

بازنویستی محمد رضا شمس |



این اثر توسط داوران و کارشناسان دبیرخانه‌ی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر تکنولوژی آموزشی و کمک‌آموزشی آموزش و پرورش، مناسب برای دانش‌آموزان متوسطه اول کلیه‌ی پایه‌ها دانسته شده است.



دفتر و نمایشگاه مرکزی:
تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره‌ی ۲۰، طبقه‌ی اول غربی
تلفن: ۰۲۱ ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط ۵) • تلفکس: ۰۲۱ ۶۶۴۶۸۲۶۳
کد پستی: ۱۳۱۵۸۵۳۴۹۳ • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۶۶۶۶۶۳
www.zekr.co • Email: zekr_publishery@yahoo.com

فهرست

۵	مقدمه‌ی ناشر
۷	نخستین شاه در جهان
۹	مبارزه‌ی هوشنگ با دیوان
۱۰	پیدایش آتش
۱۲	پادشاهی تهمورث
۱۴	نوروز
۱۶	داستان ضحاک ماردوش
۱۸	پادشاهی ضحاک
۲۱	ارمانک و گرمانک
۲۳	خواب دیدن ضحاک
۲۶	فریدون
۳۰	داستان کاوه‌ی آهنگر
۳۳	درفش کاویانی
۳۵	جنگ فریدون با ضحاک
۳۶	سرانجام ضحاک
۴۰	داستان پسران فریدون
۴۵	خونخواهی ایرج
۵۱	داستان زال و سیمرغ
۵۳	خواب دیدن سام
۵۶	رفتن زال به کابل
۵۸	گفت‌وگوی زال و رودابه
۶۰	نامه‌ی زال به پدر
۶۳	پیوند زال و رودابه

ضحاک و کاوه‌ی آهنگر و چند قصه‌ی دیگر

بازنوشته‌ی محمدرضا شمس
اجرای جلد: کیانوش غریب‌پور
مدیر هنری: حسین نیلچیان
صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)
زیر نظر شورای بررسی
لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۶/۴۰۰
چاپ سوم: ۱۳۹۸ • تیراژ: ۱۵۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۴۲۹-۶
شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۸-۴
کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

سرشناسه: شمس، محمد، ۱۳۳۵ - عنوان قراردادی: شاهنامه. برگزیده
عنوان و نام پدیدآور: ضحاک و کاوه‌ی آهنگر و چند قصه‌ی دیگر/ بازنوشته محمد شمس.
مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک. مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا - شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۴۲۹-۶
یادداشت: بالای عنوان: بهترین قصه‌های شاهنامه.
موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ه.ق. شاهنامه -- اقتباس‌ها
موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۴
شناسه افزوده: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ه.ق. شاهنامه. برگزیده
رده‌بندی کنگره: ۳۱۳۹۰ ض ۵۲۴۵ / PIR ۱۲۳
رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۹۹۱۸۹



مقدمه‌ی ناشر

سخن‌شناسان، متفکران و نویسندگان ایران و جهان، شاهنامه‌ی فردوسی را در ردیف چند شاهکار برجسته‌ی جهانی دانسته‌اند. عقیده‌ی عموم این بزرگان، این است که مادامی که در جهان نام ایران و ایرانی وجود داشته باشد، نام پر افتخار فردوسی هم جاودانه خواهد بود. چرا که این شاعر بزرگ، تمام عشق پاک و سوزان خود را وقف سربلندی ایران کرده است.

این حکیم دلسوخته، شاهنامه را با خون دل نوشت و به قول خودش، سی سال برای سرودن آن زحمت کشید و با این زحمت شبانه‌روزی، خریدار محبت و احترام ملت ایران و همه‌ی فرهنگ‌دوستان می‌باشد.

طی هزار سال گذشته، شاهنامه، پیوسته، مورد توجه و عنایت مردم ایران و بزرگان و خواص دیگر کشورها بوده است. چرا که شاهنامه، تنها بزرگ‌ترین اثر حماسی به زبان فارسی نیست. بلکه ارزشمندترین سند هویت ایرانیان است. این اثر سترگ، نقش بسزایی در احیای زبان فارسی و فرهنگ ایرانی داشته است.



شاهنامه تاریخ جوانمردی، سلحشوری، اندیشه ورزی، خردگرایی و تصویر دقیق و روشنی از آداب زندگی و فرهنگ و رسوم گذشته‌ی ایرانیان است. از این رو، آشنایی همه‌ی مردم ایران، به خصوص نسل جوان و نوجوان ایرانی، با این شاهکار ادبیات فارسی ضروریست.

بازنویسی و ساده‌نویسی داستان‌های شاهنامه، با همین هدف صورت گرفته است. امیدواریم نوجوانان و جوانان ایرانی، با مطالعه‌ی این شاهکار ادبی جهان، بتوانند از درس‌ها و حکمت‌های عمیق نهفته در آن بهره‌مند شوند.



نخستین شاه در جهان

چنین روایت کرده‌اند که نخستین شاه جهان کیومرث بود. آن زمان انسان‌ها خیلی ساده زندگی می‌کردند با تکه‌ای از پوست جانوران، یا برگ‌های پهن درختان خود را می‌پوشاندند. در دشت‌ها و صحراهای پهناور با چوب و سنگ به شکار حیوانات می‌پرداختند. چون آتش کشف نشده بود آن‌ها راه تهیه‌ی آتش را نمی‌دانستند. غذایشان گیاهان خام و میوه‌ی درختان بود. اکثر شاهان افسانه‌ای نیز افرادی ظالم و ستمگر بودند. اما کیومرث که پوست پلنگی بر تن داشت به دادگری در میان قوم خود حکومت می‌کرد. او به خدای توانایی که آفریننده‌ی جهان و جهانیان است اعتقاد داشت. اهریمن دشمن خوبی‌ها و زیبایی‌ها بود و با عدل و صلح و صفا مخالفت می‌ورزید بنابراین سعی کرد تا به هر طریق که ممکن است کیومرث را گمراه ساخته و فریب دهد. اما افسون و وسوسه‌های او بر کیومرث کارگر نشد و اهریمن اندیشه‌ای دیگر نمود و آماده‌ی مبارزه با سیامک پسر کیومرث شد. سیامک جوانی رشید و خوش‌سیما بود. اهریمن فرزندش را که

دیوی بد نهاد و زشت روی و تنومند بود با لشکری به سوی سیامک روانه ساخت. سیامک جوان، دلیرانه در مقابل فرزند اهریمن مبارزه کرد اما موفق نبود و در نبرد شکست خورد و دیو بر او چیره گشت و سیامک را به قتل رساند.

کیومرث از شنیدن مرگ فرزند در غم و اندوهی سخت فرو رفت، اما دل به امید خدا داشت و می دانست که همیشه حق پیروز است و یزدان پاک او را بر دیوان و اهریمنان و زشتی‌ها پیروز خواهد کرد.



مبارزه‌ی هوشنگ با دیوان

کیومرث در حسرت انتقام می سوخت و سالی را به ماتم فرزند نشست. آن گاه به تربیت پسر سیامک که هوشنگ نام داشت مشغول شد. هوشنگ پسر باهوش و مهربان و نیرومند بود.

سیامک خجسته یکی پور داشت
که نزد نیای جای دستور داشت
گرانمایه را نام هوشنگ بود
تو گفתי همه هوش و فرهنگ بود

هوشنگ چون رشد کرد جوان نیرومندی شد. کیومرث سخت به او علاقه‌مند بود و در کارهای مردم سرزمینش از او نظرخواهی کرد و هوشنگ که جوان دانا و باتدبیری بود در رسیدگی به امور کشور پدر بزرگ خویش را همراهی می کرد. هوشنگ چون از قصه‌ی قتل پدر توسط دیو و اهریمن مطلع گردید آماده‌ی مبارزه و انتقام جویی شد. و در این راه کیومرث او را کمک می کرد. سپاهی که هوشنگ گرد آورده بود، همه از جانوران روی زمین بود. هوشنگ در جنگ با اهریمن پیروز شد و دیو بد نهاد را به خونخواهی پدر کشت تا زمین را از شر او آسوده سازد.



پیدایش آتش

پس از قتل اهریمن، هوشنگ نزد نیای خود بازگشت، اما زمان زیادی نگذشته بود که کیومرث دارفانی را وداع گفت و هوشنگ جوان به جای نیا بر تخت نشست و تاج بر سر نهاد. او نیز چون کیومرث سعی داشت تا جهانی را که در آن زندگی می‌کند آباد نماید و در این کار نیز تلاش می‌کرد.

هوشنگ علاقه‌ی زیادی به شکار داشت. روزی در پی شکار از گذرگاه کوهستانی همراه یارانش عبور می‌کرد که ماری دراز و وحشتناک را سر راه خود دید. هوشنگ با خونسردی سنگی را برداشت و به سمت مار پرتاب کرد تا مار را به قتل برساند. مار به سرعت فرار کرد اما سنگی را که هوشنگ پرتاب کرده بود به سنگی دیگر برخورد کرد و بر اثر اصابت دو سنگ به هم جرقه‌ای آتشین ایجاد شد و علف‌های خشک کنار سنگ آتش گرفت. بدین‌سان هوشنگ روش تهیه‌ی آتش را آموخت و چون فردی دانا بود کشف آتش را به فال نیک گرفت. از آن پس روز کشف آتش را جشن گرفتند که این جشن به «جشن سده» معروف است.

با پیدایش آتش، راه جدا ساختن آهن از سنگ آهن شناخته شد و از آن زمان در سرزمین هوشنگ ابزارهای آهنی برای شکار و کشاورزی جای ابزارهای سنگی را گرفت. هوشنگ با عقل و درایت خویش حیواناتی چون گاو و اسب و خر را رام کرد تا از آن‌ها در سوارکاری و باربری و کشاورزی استفاده کند. دوران فرمانروایی او را می‌توان دوران آموزش صنعت و کشاورزی دانست.